یادداشت

جشنواره‌ای که هویتش دارد تکه‌پاره می‌شود

فیلم خارجی دانلود کنیم یا جشنواره جهانی برویم؟

■ محسن غلامی (قلعه‌سیدی)

مهم‌ترین برندهای هنری ما در عرصه جهانی مربوط است به سینما؛ در این شکی نیست. البته در ساز و کار سینمایی واقعاً عقب هستیم، پس اگر خارجی‌ها گاه سینمای ایرانی جماعت را هم می‌شناسند، به‌خاطر فیلم‌ها و تولیداتی است که توانسته از صدقه‌سری فلان کارگردان، در برخی جشنواره‌های خارجی صدا کند. وگرنه امکانات، تبلیغ کردن‌ها به ویژه کیفیت جشنواره‌هایمان صرفاً مصرف داخلی دارند. تمام این سر و صداهایی که حتی از جشنواره فجر نیز بلند می‌شود، نهایتاً مختص است به سالن‌های تهران و محدوده زمانی بهمن‌ماه. وگرنه با این همه سالن بدترکیب و بی کیفیت خصوصاً در شهرستان، هنوز هم نمی‌شود گفت سینما برای ملت ما آش دهن‌سوزی است! مردمی که نهایتاً سالی یکی، دو بار می‌روند تا فیلمی روی پرده ببینند. بقیه هم منتظر شبکه نمایش خانگی و دانلود از اینترنت و اینها هستند. البته یکی، دو جشنواره مطرح خارجی داریم مثل فستیوال فیلم کوتاه تهران ولی بقیه از بودن، تنها خرج کردن و بریز و بپاشش را بلد هستند.

البته قطعاً برپایی امثال جشنواره فجر به عنوان دورهمی خوش‌ترکیب و رقابت داخلی فیلمسازها ابداً بد نیست. نباشد که کلاه سینمای ما پس معرکه است، اما زیرساختش چه؟ صرفاً برپا کردن که دردی را دوا نمی‌کند. باز هم بخش داخلی‌اش برو و بیایی دارد چه برای خود فیلمساز، چه بیلان کاری آقای مدیر و حتی مخاطب فیلم‌بین.

■ **بودجه و لخرجی‌اش فقط خارجی است**

اما در مورد جشنواره فجر، با این زیرساخت حداقلی و تقلید از فستیوال‌های خارجی که نمی‌شود با آن ادعای سینمای جهانی و این تعابیر را داشت. خصوصاً اینکه در این دو، سه سال، بخش بین‌الملل‌اش را هم جدا کرده‌اند؛ نمی‌دانم چرا؟ تا قبل از سال ۹۴ هر دو بخش داخلی و بین‌الملل جشنواره فیلم فجر را همزمان بهمن‌ماه برگزار می‌کردند بدون اینکه ذره‌ای بازخورد در خارج از مرز داشته باشد. باید قبول کرد که همه‌چیزش صوری و الکی بود. نه بازاری نه مهمان آنچنانی و برنامه خاصی. اسمش فقط جهانی بود بدون هیچ چارچوبی. قطعاً به‌خاطر الکی برگزار کردن بود که این سه سال، بخش بین‌الملل را جدا کرده‌اند و به اردیبهشت برده‌اند البته با کلی ادعا و منم‌منم‌کردن! ولی با دودو تا، چهار تا کردن ساده، می‌شود فهمید که واقعاً هیچ تأثیری در این چند سال برای سینمای داخل نداشته، خصوصاً در بحث تبلیغ که اساس سینماست. مطمئناً کسی مخالف بین‌المللی برگزار کردنش نیست، ولی نه اینکه بدون برنامه و کار تبلیغاتی، فقط به جدایی‌اش، فکر کنیم و الکی هم اسم جهانی به ماجرا بدهیم.

■ **در اسمش دعواست چه رسد به بودن یا نبودنش**

جشنواره‌ای که حتی همین الان هم کسی خبر ندارد که مشغول برگزاری است؛ واقعاً در بعد جهانی، چه ادعایی می‌تواند داشته باشد؟ اصل قضیه و اینکه به فکر سینمای بین‌الملل هم باشیم قطعاً درست است؛ درد ولی در شیوه اجراست. وقتی در اسمش دعوا داریم، وای به محتوا و ساختار تشکیلاتی‌اش که هزار تا موافق و مخالف دارد.

دلیلش هم مشخص است چون همه چیز برمی‌گردد به فکر سیاسی مسئولان سینمایی و دم و دستک دولتی‌ها. هر مدیری که می‌آید بدون فکر، برنامه می‌چیند، فستیوال به راه می‌اندازد، کلی هم به‌به و چه‌چه می‌کند، اما با روی کار آمدن مدیریت جدید، کلهم همه را جمع می‌کنند. به همین راحتی!

جریانی که طی چند روز اخیر زمزمه‌هایی مبنی بر ترکیب مجدد بخش داخلی و بین‌الملل جشنواره فجر شنیده می‌شود، چرا؟ لابد متوجه خرج‌های میلیاردی پوچ برای میهمانان درجه سوم برخی کشورها و آمدنشان به ایران شده‌اند، وگرنه خیلی از فیلم‌های فعلی همین جشنواره به اصطلاح جهانی فجر را می‌شود از اینترنت هم دانلود کرد. وقتی یک دوره را با یک میلیارد صرفه‌جویی، نسبت به دوره قبلش برگزار کرده‌اند؛ می‌شود به بخوربخورهایی که این وسط شده راحت پی برد. وقتی رویدادی اینچنین اساسنامه نداشته باشد و همه چیزش روی هوا و طبق تصمیمات شخصی، برپا شود آخرش می‌شود تعطیلی. چه بسا جشنواره‌ای که اگر بخواهد همین‌طور پیش برود، چند سالی بیشتر دوام نمی‌آورد و می‌رود پی کارش.

■ **فعلاً که خبری از آن درج نمی‌شود**

برند جشنواره فیلم فجر داخلی است؛ ایرادی هم ندارد. اگر هم به فکر بخش بین‌الملل آن هستند چه بهتر اینکه به رسم اکثریت جشنواره‌های دنیا، ترکیبی برگزار شود. لااقل اول به فکر برگزاری خوش‌سیما و بعد تبلیغات آنچنانی برایش باشیم. ما که فعلاً چیزی از این رویداد فجر جهانی روی خط خبری خبرگزاری دیگر کشورها نمی‌بینیم.

چکیده کلام اینکه، اساس بین‌المللی کردن جشنواره سینمایی فجر را نمی‌شود منکر شد، اما نه اینکه صرفاً در چند واژه لاتین خلاصه شود. جشنواره‌ای که بخواهد هر بخشی از آن در یک سر شهر برپا شود و دوباره مجیزگویی از یکسری فیلمساز کهنه داخلی باشد، آخر و عاقبتی واقعاً ندارد؟ با چند تا ورک‌شاپ و سمینار و هفته فیلم برای این و آن کشور راه انداختن، جهانی می‌شود؟

به ویژه اینکه از نظر جذب مخاطب داخلی هم ناموفق بوده؛ شاید برای همین است که هرچه فیلم راه نیافته به جشنواره فجر بهمن‌ماه بوده را وارد رقابت می‌کنند، اما همچنان اوضاع گویا بر وفق مراد نیست.

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۰۷۲ | یک‌شنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ | ۲۵ رجب ۱۴۳۸ | اذان ظهر: ۱۳:۰۳ |
غروب آفتاب: ۱۹:۴۴ | اذان مغرب: ۲۰:۰۳ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۱۷ | اذان صبح فردا: ۰۴:۵۰ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۰ |

خالق رمان در گفت‌وگو با «جوان»:

«سه راه گردون» منطبق بر گفتمان انقلاب اسلامی است

■ جواد محرمی

رضا رسولی، دانشجوی دکترای حقوق عمومی و همچنین مدرس دانشگاه است. تا به حال از او ۱۲ عنوان کتاب از جمله هنر برای حقیقت، سفر به سلامت، زندگینامه شهید صیادشیرازی و زندگینامه شهید قاضی‌طباطبایی منتشر شده است. آخرین اثر این نویسنده رمانی به نام «سه راه گردون» است که با رویکردی اجتماعی به رشته تحریر درآمده است. گفت‌وگوی «جوان» با این نویسنده و فعال فرهنگی پیش‌روی شماست.

جرقه اولیه برای نوشتن رمان سه راه گردون چگونه در ذهن شما زده شد؟

دغدغه عدالت اجتماعی باعث شد به سمت نوشتن این رمان بروم. معتقدم عدالت اجتماعی با مسائلی چون اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی رابطه مستقیم دارد. در واقع کاستی‌هایی که در نظام‌های اداری، اقتصادی و اجتماعی ایران وجود دارد، ریشه فرهنگی دارد و معتقدم هنر و ادبیات می‌توانند برای رفع آفت‌های جامعه مؤثر واقع شوند. از نظر من عدالت باید اوج آرمان نظام دینی و آیینی و اعتقادی ما باشد.

آیا اساساً کاراکترها به گونه‌ای هستند که مخاطب رمان آنها را الگوی خود قرار بدهد؟

کاراکترها بعضاً یا در تقابل با عدالت یا در خدمت عدالت هستند و بر پایه کنش‌ها و واکنش‌های داستانی بر این محور مواجهند. تلاش من این بود که همه شخصیت‌ها به چشم بیایند و مخاطب با آنها ارتباط برقرار کند. حتی کاراکتری مانند شیدایی. نکته‌ای که به آن دقت کردم این بود که شخصیت اصلی را بلامنازع نسازم. در واقع قصدم این نبود که قهرمان خلق کنم. دوست داشتم شخصیت محوری داستان آدمی معمولی باشد.

فکر نمی‌کنید ادبیات داستانی ایران به خصوص در بخش اجتماعی آن از فقر قهرمان رنج می‌برد؟

معتقدم ادبیات اجتماعی به دلیل ابتنایی که بر واقع‌گرایی دارد، نمی‌تواند بر قهرمان‌سازی تکیه کند، چون اصولاً شخصیت‌های اجتماعی ترکیبی از ضعف، قدرت، خوبی و بدی هستند. در سه راه گردون شخصیت کیان یک فعال رسانه‌ای است که به گونه‌ای پردازش شده که همه توانایی‌ها دغدغه‌های جامعه را لمس کند. او نمی‌تواند دارای نقاط ضعف نباشد.

البته منظور از قهرمان، معصوم نیست. در واقع کسی است که با همه نقاط و ضعف و قوتی که دارد اهل مبارزه است و به راحتی تسلیم مشکلات نمی‌شود، حتی اگر در هدف نهایی‌اش شکست هم بخورد. معمولاً مخاطب با آدم‌های مبارز و مقاوم همذات‌پنداری می‌کند.

بله همین‌طور است. این مبارزه در کتاب به دلیل چالش‌هایی که مقابل کاراکترها برقرار می‌شود، همواره وجود دارد. موافقم که جامعه امروز ما به قهرمان و اسطوره نیاز دارد که به عنوان سمبل و الگو برای نسل جوان مطرح شود، ولی به این هم معتقدم که اعتماد به نفس بی‌مورد و بیجا می‌تواند آسیب‌رسان باشد.

یعنی شخصیت‌های مثبت آنقدر جذاب هستند که مخاطب باید با آن همذات‌پنداری کند؟

بله همین‌طور است. خلق شخصیت‌ها با غصه‌ها و دغدغه‌های فردی توأم است و چون مبتنی بر اتفاقات و ماجراهای روز است حس نزدیکی به شخصیت‌ها وجود دارد.

سرنوشت شخصیت اصلی به نظر خودتان به گونه‌ای است که خواننده در انتظار فهمیدن سرنوشت او در انتها باشد؟

«سه راه گردون» یک تریلوژی یا سه‌گانه است. یعنی جلد یک آن در جلد دوم و سوم ادامه پیدا می‌کند. بنابراین مخاطب باید منتظر باشد تا در جلد سوم سرنوشت نهایی شخصیت اصلی روشن شود.

از آنجا که رمان شما از عنصر قهرمان به آن معنایی که می‌فرمایید بهره نمی‌برد، فکر می‌کنید جذابیت رمان بیشتر بر چه وجهی سنگینی می‌کند؟

در داستان ما پیچیدگی‌های داستانی، گره‌افکنی و گره‌گشایی‌هایی وجود دارد که مخاطب را تا حدی غافلگیر و بهت‌زده می‌کند؛ غافلگیری‌هایی که شاید به مخیله خواننده هم خطور نکند و این جنبه‌ای است که نقطه ثقل جذابیت داستانی سه راه گردون را تشکیل می‌دهد.

شخصیت‌های داستانی رمان شما چقدر به لحاظ برجستگی‌های مثبت مورد توجه هستند. در واقع خوب‌ها بیشتر به چشم می‌آیند یا بدها؟

در بستری که ما شالوده داستان را بر آن ریخته‌ایم تقابل حق و باطل مورد نظر بوده است. آدم‌ها با عمل و رفتار و از کانال اتفاقاتی که برایشان رقم می‌خورد، جنبه‌های ناپیدای درون‌شان عیان‌تر می‌شود و یک گام به پیش می‌روند. آدم‌های داستان بر این اساس بیشتر خاکستری هستند.

سه راه گردون را به نوعی و از منظری می‌توان یک اثر به اصطلاح ضدروشنفکری قلمداد کرد؟

من این اثر را به نیت تقابل با نگاه رایج روشنفکری ننوشتم. البته به این قائل هستم که جریان روشنفکری در جامعه ما سال‌های متمادی جز موارد خاص در رفتار، موضع‌گیری‌ها و اعمال خود با نیازها و واقعیت‌های جامعه همراه نبوده و ساز خودش را زده است. گرایشات روشنفکران ما غیر از انطباق نداشتن با دغدغه‌های جامعه الزاماً به درد محافل، احزاب و جریان‌های خاص سیاسی اجتماعی می‌خورد که با توسل به آنها هویتی برای خود بسازند. برای همین می‌بینید روشنفکران همواره در مواجهه با طرح موضوعاتی چون سبک زندگی یا اقتصاد مقاومتی و حتی عدالت منفعلانه عمل می‌کنند و بیش از اینکه راهکار ارائه بدهند و افق مشخص کنند، درگیر نق زدن و در خلسه فرو رفتن هستند.

شما در رمان سه راه گردون به طرح آفات، معضلات و کاستی‌های جامعه مبادرت کردید. چه تفاوتی در رویکرد شما وجود دارد که کسی اثر شما را به سیاه‌نمایی متهم نمی‌کند.

اول اینکه شخصاً معتقد نیستم جامعه ما سیاه است. یعنی اینطوری نمی‌بینم. بیشتر سیاه و سفید می‌بینم. خیلی آرمانی هم نمی‌بینم. آدم‌ها را روی زمین می‌بینم. برای همین نخواستم جامعه را تیره و تار نشان بدهم، ضمن اینکه ضعف‌ها را هم انکار نکردم. نکته دیگر اینکه در کنار اشاره به نقاط ضعف و کاستی‌ها امید را هم زنده نگه داشته‌ام. این امیدواری به نظرم بیشتر در جلد دوم و سوم خود را نشان خواهد داد. اعتقادات ما اساساً اجازه نمی‌دهد که درهای امید را روی جامعه بسته ببینیم. عدالت‌جویی با همه مصائب و زحماتی که دارد حتماً به عاقبتی روشن منتهی خواهد شد.

می‌توان رمان سه راه گردون را منطبق بر گفتمان انقلاب اسلامی دانست؟

بله همین‌طور است. همه شوق و نگاه من در خلق این رمان راهبرد اصلی نظام اسلامی یعنی عدالت است. گام برداشتن در این مسیر را مقدمه عدالت فراگیر جهانی می‌دانم که طلیعه دل‌انگیز آن در حکومت مهدوی(عج) تجلی پیدا خواهد کرد. از این منظر معتقدم سه راه گردون در راستای گفتمان اصیل انقلاب اسلامی و تقویت راهبرد فرهنگی نظام اسلامی به رشته تحریر درآمده است.

موضوع سبک زندگی ایرانی-اسلامی چقدر در رمان شما پررنگ است؟

معتقدم آمیختگی سبک زندگی با مشکلات و معضلات غیرقابل انکار است. خیلی سعی کردم با در کنار هم قرار دادن سلسله روایت‌های داستانی و تصمیم‌گیری آدم‌ها از دل داستان‌ها به این مسئله بپردازم.

نسبت سه راه گردون با اقتصاد مقاومتی چقدر است؟

نسبت این کتاب با اقتصاد مقاومتی بدین گونه است که زمینه‌سازی برای تحقق اقتصاد مقاومتی در آن مورد توجه قرار گرفته است. به این معنی که با روایت داستانی عدالت‌خواهانه و مبارزه با معضلات اقتصادی مثل پدیده آقازاده‌ها و رانت‌خواری، تلاش می‌کند در مسیر محقق شدن اقتصاد مقاومتی پیش برود. با اینکه این کتاب در سال ۹۵ منتشر شده، اما تناسب جدی و نزدیکی با نامگذاری امسال دارد.

راه سعادت

حکمت ۳۲۴

اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ.

از نافرمانی خدا در خلوت‌ها بپرهیزید، زیرا همان که گواه است، داوری می‌کند.

نما | حسین کشتکار

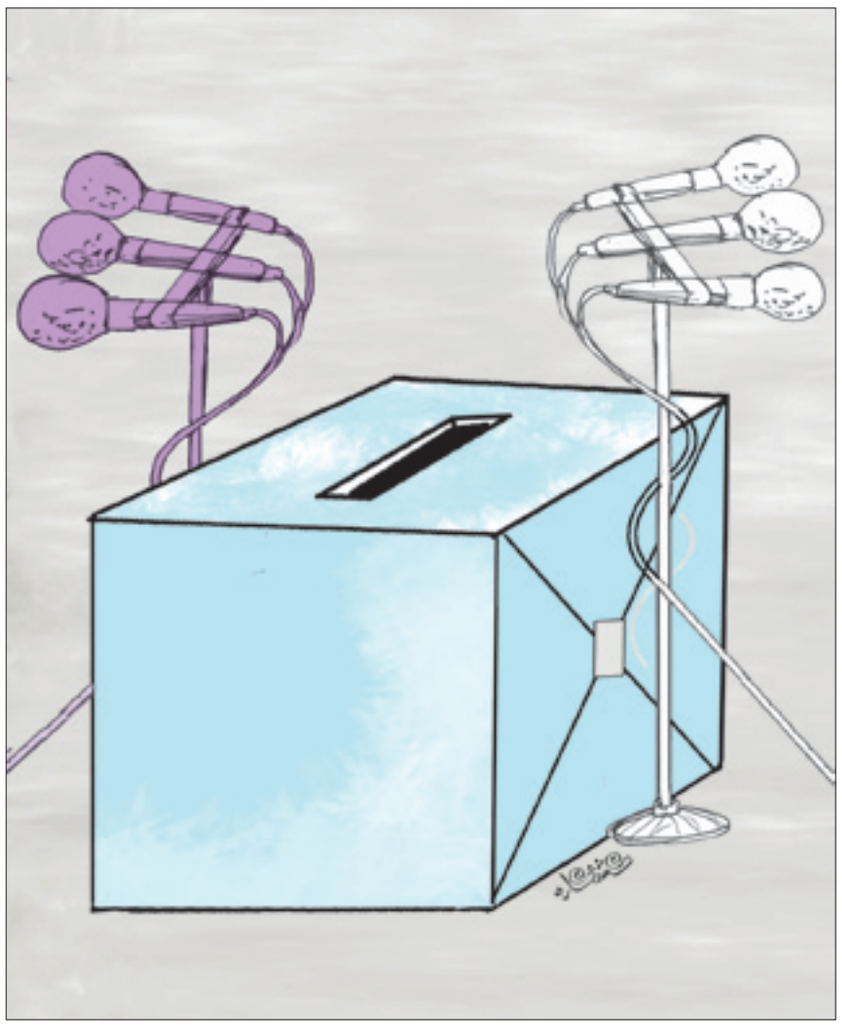

مترجمان کشورهای دیگر علاقه‌مند به انتشار کتاب‌های شاخص دفاع مقدس

اشتیاق خارجی‌ها برای خواندن فرهنگ ایثار و پایداری ایرانی‌ها

■ احمد محمدتبریزی

استقبال از کتاب‌های موفق و خواندنی حوزه دفاع مقدس فراتر از مرزها رفته و انتشاراتی‌های کشورهای دیگر بیشتر از هر زمان دیگری مشتاق ترجمه و انتشار این آثار هستند. ایتالیایی‌ها پس از امریکایی‌ها و روس‌ها به سراغ رمان جذاب «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» احمد دهقان رفته‌اند تا در سال آینده میلادی این کتاب را از سوی انتشارات میمزیس ایتالیا منتشر کنند؛ اتفاقی خوب برای ادبیات دفاع مقدس که زمینه‌های آشنایی و نزدیکی ملت‌های دیگر با فرهنگ مقاومت و ایثار مردم ایران را فراهم می‌کند.

■ **رمانی ملموس برای خواننده خارجی**

به گزارش «جوان»، احمد دهقان کار نگارش «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» را با پایان یافتن جنگ تحمیلی آغاز کرد که علاوه بر کسب جوایز داخلی، به زبان انگلیسی هم ترجمه شد و در دانشگاه‌های مختلف امریکا در دسترس قرار گرفت و نخستین رمان ایرانی با موضوع جنگ هشت ساله که در امریکا منتشر شده، لقب گرفت. حالا کتاب دهقان برای اولین‌بار در یکی از کشورهای اروپایی منتشر می‌شود. این رمان در سال ۲۰۱۵ توانست به عنوان بهترین داستان شرقی، جایزه «سرزمین ناشناخته» را در روسیه از آن خود کند. آنچه «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» را برای خواننده خارجی ملموس و خواندنی می‌کند، بیان شفاف واقعیت‌ها به دور از اغراق‌گویی است. خواننده داستان از یک سو با تصاویری هولناک از پیکرهای مجروحین و شهدا مواجه می‌شود و از سوی دیگر با شخصیت رزمندگان و طرز رفتار آنها در این موقعیت آشنا می‌شود. رزمندگان در این کتاب انسان‌هایی زمینی معرفی می‌شوند با تمام ضعف‌ها و قوت‌های یک انسان عادی، انسان‌هایی عادی که در وقت نیاز کاری غیرعادی انجام دادند و با فداکاری کشور را حفظ کردند، اما افرادی را هم می‌بینیم که حتی در این موقعیت به چیزی جز راحتی خودشان فکر نمی‌کنند.

■ **تأکید رهبر انقلاب بر ترجمه آثار دفاع مقدس**

رهبر معظم انقلاب از دهه ۷۰ تاکنون بارها بر ترجمه آثار دفاع مقدس تأکید کرده‌اند و در این مدت چندین‌بار از سوی مؤسسات و مراکز مختلف ترجمه آثار انجام شده، اما ادامه‌دار نبوده است. گلعلی بابایی، نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس درباره ترجمه آثار دفاع مقدس می‌گوید: کتاب‌های دفاع مقدس در زمینه ترجمه سر و سامان خوبی ندارند و باید متولی این حوزه مشخص شود، مثلاً سازمان فرهنگ و ارتباطات می‌تواند بخشی از این مهم را به عهده بگیرد و کتاب‌های دفاع مقدس را به خارج از کشور برساند. تا به حال «کوه مرا صدا زد» محمدرضا بایرامی به زبان آلمانی، «شطرنج با ماشین قیامت» حبیب احمدزاده و رمان «فال خون» داوود غفارزادگان به زبان انگلیسی در امریکا منتشر شده‌اند و نمونه‌های موفقی از ادبیات دفاع مقدس هستند که خوانندگان خارجی‌شان را با خود همراه کرده‌اند.

■ **تأثیر ۲ چهره در معرفی آثار دفاع مقدس به خارجی‌ها**

کارولین کراسکری، شرق‌شناس و محقق دانشگاه یوسی‌ال امریکا و پال اسپراکمن، دانشیار ادبیات و زبان فارسی در دانشگاه راتگرز ایالت نیوجرسی امریکا دو چهره‌ای هستند که به صورت تخصصی روی ادبیات فارسی و کتاب‌های دفاع مقدس کار می‌کنند و تأثیر بسزایی در معرفی آثار دفاع مقدس به کشورهای دیگر داشته‌اند. کراسکری که به تازگی کتاب «من قاتل پسرتان هستم» احمد دهقان را به زبان انگلیسی ترجمه کرده، می‌گوید: «انگیزه شخصی من برای ترجمه ادبیات جنگ آن است که دنیا به یاد بیاورد که ایران کشوری با مردمی باشخصیت، نجیب و عاشق صلح است. جنگ ایران و عراق تنها درگیری مختصری میان دو کشور بی‌اهمیت یا حاصل اختلافات شیعه و سنی نبود. مردم باید به یاد بیاورند که این جنگ، یک جنگ تحمیلی حاصل از دخالت قدرت‌های بزرگ جهانی در امور یک کشور مقتدر با هدف تسلط بر توازن قدرت در جهان بود. این سیاست همچنان در دنیا ادامه دارد و اشتباه بودن آن در حال اثبات شدن است.» اسپراکمن نیز تا به حال کتاب‌های «اسماعیل» نوشته امیرحسین فردی، «شطرنج با ماشین قیامت» نوشته حبیب احمدزاده و «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» نوشته احمد دهقان را به زبان انگلیسی ترجمه کرده و در حال تکمیل ترجمه «دا» است.

رسانه دولت عوامل «دیرین دیرین» را متهم به خودفروشی کرد

پس از مهران مدیری نوبت به «دیرین دیرین» رسید

■ فرزین ماندگار

ناسزاگوهایی که وقت و پول کافی برای سرک کشیدن به همه جای فضای مجازی دارند، این روزها بیش از پیش فعال شده‌اند تا به‌زعم خود هر صدای مخالفی را در نطفه خفه کنند. این افراد پس از فحاشی‌های مجازی علیه مهران مدیری به بهانه بیان مشکلات اقتصادی این‌بار به ناسزاگویی علیه سازندگان مجموعه دیرین دیرین مأمور شده‌اند.

متهم کردن عوامل دیرین دیرین به خودفروشی یکی از این نمونه‌هاست که البته پیش از همه خط آن را کانال روزنامه ایران، ارگان دولت یازدهم کلید زد؛ کانالی که خوراک رسانه‌ای عمده‌ای برای محافل رسانه‌ای ضدانقلاب محسوب می‌شود. کانال روزنامه ایران، با ابراز نارضایتی از انیمیشن‌های اخیر دیرین دیرین، تیتر عجیبی زده بود: «دیرین دیرین‌ها به چه بهایی خریده شدند!» این اتهام‌زنی با واکنش تهیه‌کننده اثر مواجه شد و در قالب یادداشتی نوشت: صرفاً جهت استحضار مخاطبان خوب دیرین دیرین به چند نکته اشاره می‌کنم. دیرین دیرین یک رسانه مردمی است که حرف دل مردم ایران را در قالب انیمیشن‌های کوتاه یک دقیقه‌ای طنز بیان می‌کند. این مجموعه از سوی شرکت دانش‌بنیان «نسل‌اندیشه‌سبز» ساخته می‌شود و به‌رغم تعاملات و همکاری‌های بسیار خوب با معاونت علمی - فناوری ریاست جمهوری، تاکنون یک ریال کمک بلاعوض یا یک ریال وام کم‌بهره، از این معاونت دریافت نکرده است!

با توجه به مشکل بزرگ بیکاری جوانان، «نسل اندیشه سبز» حسب وظیفه، اکنون دیرین دیرین رسانه بزرگی است که با ضریب نفوذ بیش از ۷۰ درصد در کشور، هر آیتم آن از سوی بیش از ۷ میلیون نفر، در فضای مجازی دیده می‌شود. همانگونه که در ابتدای سال وعده دادیم، امسال مجموعه انیمیشن‌های دیرین دیرین با موضوع انتخابات را می‌سازیم. در این انیمیشن‌ها به صورت مطلق له یا علیه یک نامزد حرف نمی‌زنیم، بلکه به نقد رفتار اشتباه می‌پردازیم، فارغ از اینکه این رفتار از چه فردی سر زده باشد.

تهیه‌کننده این مجموعه می‌افزاید: در پایان هر انیمیشن انتقادی نیز، نظرسنجی عمومی قرار دارد و میزان رضایت بالای ۹۰ درصدی مخاطبان، نشانگر آن است که در بیان حرف دل مردم در قالب انیمیشن‌های دیرین دیرین، موفق بوده‌ایم. هرچند به تناسب موضوع، یک گروه سیاسی اعم از اصولگرا یا اصلاح‌طلب، از ما آزرده‌خاطر شده باشد! در پاسخ روزنامه ایران که حرف دل‌مردم را برنتابیده است، می‌گوییم: دیرین دیرین فروشی نیست چون قبلاً فروخته شده... به مردم ایران!

خبر

سیروس الوند: روحانی انتظارات هنرمندان را برآورده نکرد

زمانی که آقای روحانی به ریاست جمهوری رسید نداهالی سینما انتظار داشتند مشکلات متعدد هنر هفتم برطرف شود، اما متأسفانه طی تمامی سال‌های ریاست جمهوری ایشان هیچ اتفاق خاص و مثبتی در سینمای کشور نیفتاد.

سیروس الوند، کارگردان برجسته سینمای کشور در آستانه برگزاری دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گفت: من شخصاً دیگر هیچ انتظاری از مسئولان رده بالای کشور برای رفع مشکلات عدیده سینما ندارم، چراکه به این باور رسیده‌ام مسئله فرهنگ و هنر جزو دغدغه‌های این افراد نیست و نمونه بارز آن هم این بود که آقای روحانی طی چهار سال ریاست جمهوری‌اش هیچ یک از انتظارات هنرمندان و اهالی سینما را برآورده نکرد. کارگردان فیلم سینمایی «دست‌های آلوده» افزود: زمانی که آقای روحانی به ریاست جمهوری رسیدند، اهالی سینما انتظار داشتند مشکلات متعدد هنر هفتم برطرف شود، اما متأسفانه طی تمامی سال‌های ریاست جمهوری ایشان هیچ اتفاق خاص و مثبتی در سینمای کشور نیفتاد و ما به این نتیجه رسیدیم که شاید ایشان مسائل و دغدغه‌های مهم‌تری از توجه و رسیدگی به حوزه فرهنگ و هنر و بالاخص سینما داشته‌اند. الوند سپس با تأکید بر اینکه مشکلات معیشتی، سیاسی و اقتصادی در تمامی کشورهای دنیا وجود دارد اما مقامات عالی‌رتبه همواره به حوزه فرهنگ و هنر توجه ویژه‌ای دارند، اظهار داشت: بنده معتقدم رئیس‌جمهور آینده باید وزارت ارشاد را تقویت کند. این وزارتخانه باید قدرت اصلی حوزه فرهنگ و هنر در کشور باشد. ما نیاز به حضور مدیران و مسئولانی در این وزارتخانه داریم که جسور و شجاع باشند و با دغدغه‌مندی نسبت به حوزه فرهنگ و هنر از پروانه‌های ساخت و نمایش که صادر می‌کنند، حمایت نمایند. ما نیاز به حضور مسئولانی داریم که به هیچ شخص و نهاد حقیقی و حقوقی اجازه ندهند تا در امور فرهنگی و سینمایی کشور دخالت کند و با وزارت ارشاد به مقابله برخیزد.

برنامه مناظرات و تبلیغات ریاست جمهوری در تلویزیون اعلام شد

■ حامد جوادی

رسانه ملی با وجود رشد ابزارهای ارتباطی گوناگون همچنان می‌تواند در جریان برگزاری انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری نقشی اساسی ایفا کند، چرا که همچنان تنها رسانه‌ای است که امکان اختصاصی مناظرات انتخاباتی را به طور انحصاری داراست. برنامه‌های ویژه انتخابات برای نامزدها و هواداران آنها اهمیت بسیاری دارد و تلویزیون در این زمینه مسئولیت بسیاری بر عهده دارد.

امسال نیز به روال گذشته تلویزیون برنامه‌ریزی ویژه‌ای برای انتخابات کرده است که یکی از آنها گفت‌وگوی کاندیدا با دوربین است. در این برنامه که تنها نامزد انتخاباتی متکلم وحده است، فرصت دارد در مدت زمان ۳۰ دقیقه برنامه‌های انتخاباتی خود را برای مخاطبان بازگو کند. تعداد قسمت‌های این برنامه به تعداد کاندیداها ارتباط دارد و پخش آن در زمان مجاز تبلیغات صورت می‌گیرد. مستند نامزدها برنامه دیگری است که آن هم ۳۰ دقیقه زمان دارد. هر کاندیدا می‌تواند دو مستند ۳۰ دقیقه‌ای بسازد و در اختیار تلویزیون برای پخش قرار دهد. هر دو برنامه یاد شده از شبکه یک سیما به روی آنتن خواهند رفت البته قسمت دوم مستندها را شبکه ۲ به روی آنتن خواهد برد. شبکه ۳ سیما نیز برنامه گفت‌وگوی نامزدها با جوانان را تدارک دیده است. این برنامه هر قسمت ۶۰ دقیقه زمان دارد و در آن کاندیداها با حضور جوانان به سوالات آنها پاسخ می‌دهند. شبکه ۴ هم امسال وارد گود انتخاباتی شده و برنامه پاسخ نامزدها به سه کارشناس از این شبکه به روی آنتن خواهد رفت. این برنامه در هر قسمت ۶۰ دقیقه زمان دارد و گفت‌وگوها حول محور برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. شبکه جام جم هم برای معرفی کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری به ایرانیان خارج از کشور برنامه‌ای تدارک دیده که گفت‌وگوی نامزدها با ایرانیان خارج از کشور است. این برنامه گفت‌وگو محور در هر قسمت ۶۰ دقیقه زمان دارد و به معرفی و سیاست‌های کلی نامزدهای ریاست جمهوری برای ایرانیان خارج از کشور می‌پردازد. همچنین شبکه جام جم تکرار مستندهای ویژه نامزدهای انتخاباتی را روانه آنتن خواهد کرد. اما در این میان مناظره کاندیداها با هم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بیشترین میزان مخاطب را در میان سایر برنامه‌ها به خود اختصاص داده است و فعلاً شبکه ۳ برای پخش این برنامه در نظر گرفته شده است. محل برگزاری مناظرات مانند دوره قبلی در استودیو شماره ۱۱ معاونت سیما خواهد بود. با این تفاوت که مرکز تولید و فنی سیما که عهده‌دار برگزاری این برنامه است، از بهمن ماه سال گذشته کار نوسازی استودیوهای شماره ۱۱ و ۱۲ را آغاز کرده و این استودیو مجهز به امکانات HD شده است.